[مقدمه: 2](#_Toc54372213)

[وظائف ما پیرامون پیامبر و اهل‌بیت 2](#_Toc54372214)

[1. ضلع علم و معرفت و دانش ائمه هدی و پیامبر خدا. 3](#_Toc54372215)

[2. مقام عصمت و طهارت: 4](#_Toc54372216)

[3. مقام ولایت 4](#_Toc54372217)

[نقد اندیشه‌های ناصواب در مورد صلح امام حسن 5](#_Toc54372218)

[نکاتی پیرامون هفته وحدت 6](#_Toc54372219)

[نکاتی پیرامون انتخابات امریکا 7](#_Toc54372220)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# مقدمه:

یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله حق تقاته و لا تموتن الا و انتم مسلمون. عبادالله اوصیکم و نفسی بتقوی الله.

جمعه روز عبادت و بندگی خدا و پایگاه خطبه و خطابه و سخن جمعه پایگاه توصیه به تقوا و تقرب الی الله است. خودم و شما را به پرهیزکاری و پاسداری از فرمان‌های الهی در زندگی فردی خانوادگی و اجتماعی فرامی‌خوانم. امیدواریم که به برکت این روز و موالید مبارک این ماه همه ما به کسب تقوای الهی موفق شویم و همه گرفتاری‌ها رفع شود و بلای جهانگیر کرونا هم به همه جهان و امت اسلام و کشور عزیز ما دور شود.

# وظائف ما پیرامون پیامبر و اهل‌بیت

در سخن پیشین بابی را باز کردیم در باب وظائف ما در قبال پیامبر اعظم و ائمه هدی و گفتیم پس از حق خدا بالاترین حق در عالم حق پیامبر و ائمه هدی بر ماست. به همین دلیل وظائف ما در قبال این انوار طیبه و چهره‌های الهی و نورانی وظائف بسیار حساس و متعدد هست. به این نکته هم اشاره شد که وظائف ما در قبال پیامبر و ائمه سود دارد؛ اما سود و نفع ما عاید خود ما می‌شود. این‌طور نیست که برای آن‌ها عواید خاصی داشته باشد. عواید وظائفی که ما انجام می‌دهیم عرض ادب و ارادتی که از ما صادر می‌شود درنهایت به خود ما بازمی‌گردد. سپس گفتیم که بیش از بیست وظیفه و تکلیف بر عهده ماست در قبال پیامبر و ائمه هدی؛ و اگر بخواهیم زندگی مؤمنانه و زیست اجتماعی داشته باشیم به این وظائف و حقوق باید جامه عمل بپوشانیم. نخستین وظیفه ما در قبال رسول خدا و ائمه هدی و فاطمه زهرا سلام‌الله علیهم اجمعین به‌عنوان قله‌های نظام خلقت و به‌عنوان عالی‌ترین جلوه‌های جهان و عالم هستی عبارت بود از شناخت و معرفت. همان‌طور که معرفت الله واجب است و پایه زندگی اسلامی ماست پس‌ازآن بلافاصله معرفت نسبت به انبیا و ائمه ضرورت و وجوب دارد و آن‌هم معرفتی که درخور مقام والای آن‌ها. در این وظیفه نخست مایلم در محضر شما بینندگان عزیز و مستمعان سخن آدینه این اشاره را داشته باشم که در میان آن نکات مهمی که باید ما به آن معرفت و شناخت پیدا کنیم سه نکته بسیار اساسی و کلیدی است. معرفت ما آن‌وقت خالص و درست می‌شود و حق معرفت را می‌توانیم ادا کنیم که این سه مؤلفه اصلی در شخصیت پیامبر و ائمه هدی را بشناسیم. سه‌شاخه اصلی این معرفت دارد.

1. معرفت به علم و دانش خاص ائمه هدی و پیامبر خداست.
2. مقام عصمت و طهارت.
3. مقام ولایت.

آنگاه حق معرفت ائمه را ولو در درجات نازل ادا می‌کنیم که به این سه نکته پی ببریم و به آن وقوف پیدا کنیم آنگاه به مقام آن‌ها نزدیک شدیم. این پایه همه چندین تکلیف بعدی است. توضیح کوتاهی راجع به این سه ضلع خصائص و ویژگی‌های ائمه هدی عرض می‌کنم.

## 1. ضلع علم و معرفت و دانش ائمه هدی و پیامبر خدا.

علم و دانش‌هایی که در عالم ما با آن‌ها مواجه هستیم علوم و دانش‌هایی است که از استاد فرامی‌گیریم و در مدرسه و دانشگاه و حوزه تعلیم و تعلم می‌شود در قلمروهای مختلف عالم و جهان و هستی از علوم طبیعی و پایه و فنی و مهندسی و پزشکی و هنر و ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی و علوم اسلامی و الهی یک نوع علم است که ما به‌طور طبیعی با آن‌ها سروکار داریم. این طیف گوناگون دانش‌ها دانشی طبیعی است و با فرآیندی طبیعی به دست می‌آید و بسیار در زندگی مادی و معنوی ما مهم است و اسلام هم خیلی به آن ترغیب کرده است؛ اما همه این طیف دانش‌هایی که بشر با آن سروکار دارد گرچه به عالم غیب و قدس برمی‌گردد اما واقعیتش این است که این علم و دانش‌ها در فرآیندی مادی و طبیعی با زمینه‌ها و معدات طبیعی به دست بشر می‌آید؛ یعنی باید تلاش کرد محضر استاد زانو زد و کتاب خواند و با طی فرآیند طبیعی و تعلیم و تعلم انسان به دانش‌هایی می‌رسد. هرچقدر هم ما دانش داشته باشیم و هرچه قدر هم فرد در قله نخبگی و نبوغ و استعداد برتر باشد آخر دانش محدودی است که در فرآیندی طبیعی به دست آورده‌ایم؛ اما نوع دیگری از علم‌داریم که آن علم از خصائص انبیا و اولیا و پیامبر خدا و ائمه هداست و آن علم را علم غیر اکتسابی یا لدنی یا قدسی یا غیبی می‌گویند. این دانش از ویژگی‌های پیامبر خدا و ائمه هداست. این دانش بااتصال مستقیم به عالم غیب به پیامبر و ائمه افاضه می‌شود؛ بنابراین علم ائمه و پیامبر اولا علمی مستقیم متصل به عالم غیب است. ثانیاً این علم از طریق ابزارهای طبیعی به دست نمی‌آید ثالثاً این علم بی‌نهایت است. در شیوه علم آن‌ها بحث‌های زیادی شده اما علم ائمه و پیامبر متصل به علم خداست و همان بی‌نهایتی را دارد. حال به یک معنا و تفسیر بالفعل است و با تفسیر دیگر اذا شاءوا ان علموا علموا. درهرصورت این علم لدنی و غیبی است و از طریق وحی یا ارتباطات فرا طبیعی به دست می‌آید و بی‌کران است و شامل همه عالم و جهان می‌شود. ما در باب ائمه و پیامبر به چنین دانش بی‌کران و وسیعی معتقدیم. این غیر دانش بزرگان نوابغ بشریت است. علم و دانش بوعلی سینا انیشتین و شخصیت‌های بااستعداد بشر علم و دانش‌های بزرگی است اما هیچ‌کدام به پایه این علم نمی‌رسد زیرا ذات آن متفاوت است. ما راجع به ائمه این علم را معتقدیم.

## 2. مقام عصمت و طهارت:

البته عصمت و طهارتی که از اختیار خود ائمه هدی و پیامبر ناشی می‌شود. ما معتقد به عصمت و پاکی از خطا و گناه نسبت به ائمه و پیامبر بر مبنای خلقت اولیه فراطبیعت نیستیم بلکه معتقدیم آن‌ها از طریق اختیار و با انتخاب خودشان به قله‌هایی رسیده‌اند که گرد خطا و گناه و آلودگی و اشتباه دامن کبریایی آن‌ها را نمی‌گیرد و بر دامن آن‌ها نمی‌نشیند؛ اما این به شکل اختیاری به‌دست‌آمده است. این عصمت و طهارت که در آیه تطهیر و آیات دیگر آمده به پیروان و معتقدان یک حس اعتماد و آرامش می‌دهد زیرا تکیه ما به چهره‌هایی است که در دانش بیکران‌اند و در ذهن و رفتار و عمل و اقدام مصون از خطا و انحراف و اعوجاج‌اند.

## 3. مقام ولایت

مقام ولایت ضلع سوم در شخصیت ائمه است که بر آن دوپایه استوار است. چهره‌های نورانی که مستقیم دستی در آسمان دارند و مستقیم ازآنجا بهره‌مند می‌شوند و در گردونه فرآیندهای طبیعی گیر نیستند؛ و چون به خاطر آن مقام بلند مصون از خطایند به همین دلایل دارای یک ولایت‌اند. البته این ولایت بخشی از آن تکوینی است که توانایی و قدرت تصرف در عالم دارند اما نه به این معنا که در برابر خدا و منهای خدا. بلکه در پرتو ذات خدا هم دانایی دارند هم پاکی و هم توانایی دارند. ولایت تکوینی یعنی توانایی فوق ابزارهای مادی.

توانایی‌های عالم و بشر در این جهان دائماً رو به رشد و فزونی است. با رشد بشر دائماً توانایی‌های خود را افزایش می‌دهد؛ اما یک توانایی است که فراطبیعت است. ما معتقد به قدرت فراطبیعت در مورد ائمه هستیم. لذا توسل و شفاعت به‌سادگی با منطق قرآنی قابل‌حل است؛ یعنی آدمیانی که به قله‌ای رسیده‌اند که با نگاه و تصرف آن‌ها عالم می‌تواند تغییر پیدا کند. البته این تصرف محدود است و برحسب مصالح گاهی نشان داده می‌شود ولی در سلسله‌مراتب هستی این‌ها در جایگاه بلندی قرار دارند و قدرت دخالت و تصرف دارند این شعبه ولایت تکوینی است که به جایگاه آن‌ها در سلسله علل و اسباب اشاره دارد. در شعاع این ولایت تشریعی است؛ یعنی حق زمامداری و زعامت برای آن‌هاست. این سه ضلع اصلی در معرفت پیامبر و ائمه است. در پیامبر شناسی و امام شناسی دانایی فوق دانایی‌های بشری، پاکی و طهارت فوق پاکی‌های متعارف و سوم توانایی و قدرت تصرف تکوینی و تشریعی فراتر از چیزهای عادی. به همین دلیل است که ما در حق زعامت و امامت ائمه و فرماندهی جامعه معتقد نیستیم که مشروعیت این زعامت و امامت بارأی مردم شکل می‌گیرد. مطلقاً. بله پیاده‌سازی آن زعامت و امامت شرایطی می‌خواهد و شرایط فراهم نباشد می‌شود مثل اکثر ائمه که در عزلت بودند و مانع شدند از اینکه نقش‌آفرینی بکنند. ولی حقیقت مسئله این است که حق زعامت و هدایت و راهبری جامعه از آن‌کسانی است که دارای آن دانایی هستند و دارای آن پاکی و طهارت‌اند و دارای آن توانایی در سلسله عالم خلقت‌اند. کسی که این سه ویژگی را داشته باشد حق زعامت دارد.

# نقد اندیشه‌های ناصواب در مورد صلح امام حسن

برخی اندیشه‌های ناصوابی که به آن‌ها دامن زده می‌شود برخلاف اعتقادات اصیلی است که ما به‌عنوان پیروان اهل‌بیت نسبت به پیامبر و ائمه داریم. گاهی در بحث‌های اخیر گفته‌شده است که صلح امام حسن یعنی تفکیک خلافت از ولایت، تفکیک زعامت جامعه از ولایت. اگر این به معنای این باشد که یعنی حق زعامت و امامت چیزی است و ولایت چیز دیگری است و آن امر باطنی است و آن امر ظاهری را به دیگران سپردن قطعاً درست نیست. ما معتقدیم زعامت و هدایت از آن ائمه است گاهی تحقق پیدا می‌کند و گاهی تحقق پیدا نمی‌کند. همین‌طور که بحث‌های اخیر در مورد صلح امام حسن به همین نکته برمی‌گردد. اگر ما معتقد به ویژگی‌هایی که برشمردم باشیم که همه این‌ها مستند به ادله قاطع قرآنی و براهین روایی محکم هست معتقدیم حق زعامت و امامت برای آن‌هاست. اگر جایی به صلحی دست زدند قطعاً برمی‌گردد به اینکه جامعه خطا کرده همراهی جامعه انجام‌نشده و متابعت درست محقق نشده و به شکل اضطرار و ناچاری برای مصالحی به آتش‌بسی یا سازشی دست می‌زنند. وگرنه حق آن‌ها تابعی از انتخاب مردم و رأی مردم نیست. رأی مردم و انتخاب مردم وظیفه‌ای است که آن‌ها باید انجام دهند. این مقام علم و عصمت و ولایتی بود که در معرفت پیامبر و ائمه باید به آن توجه بشود.

امیدواریم خداوند همه ما را به تعمیق معرفتمان نسبت به ائمه هدی و پیامبر خدا موفق بدارد و مرز معرفت ما نسبت به پیامبر و ائمه با بعضی فرق و مذاهب دیگر در همین نکته‌هاست. در مقام علم با آن مفهوم بلند در مقام طهارت و عصمت با آن مفهوم عمیق و در مقام ولایت با دامنه و شعاعی که عرض کردم؛ و همه وظائف و تکالیف دیگر هم بر این پایه‌های معرفتی استوار می‌شود که بعداً توضیح خواهیم داد. ما این حقائق ناب که مستند به ادله روشن است را نباید در گفتگوهای سیاسی مورد کم‌لطفی و کم مهری قرار دهیم. این کار خطایی است که ما این مقامات را به دلایل سیاسی و جناحی و امثال این‌ها مورد بی‌توجهی قرار دهیم یا سخنان ناصواب یا سخنان چندپهلو ایراد شود.

# نکاتی پیرامون هفته وحدت

همین‌جا در ایام ماه ربیع هستیم باید تبریک و تهنیت عرض کنم موالید مبارک این ماه را و هفته وحدت را و همین‌طور در آستانه شهادت امام حسن عسکری هستیم این شهادت را تسلیت عرض می‌کنم و آغاز ولایت ولی‌الله الاعظم و حجت الهی حضرت ولی‌عصر ارواحنا لتراب مقدمه الفداء را به همه شما محبان اهل‌بیت تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

جمله‌ای را به مناسبت هفته وحدت مایلم اشاره‌کنم و آن اینکه امروز جهان اسلام بیش از هرزمانی به هم‌گرایی و هم‌افزایی و وحدت امت اسلام نیازمند است و در این وحدت معنایش این نیست که مذاهب اسلامی از اعتقاداتشان دست‌بردارند. ما به‌عنوان شیعه دارای اعتقاداتی هستیم که بخشی از آن‌ها را الآن عرض کردم و در آن‌ها ما تفاوت‌هایی با دیگر مذاهب اسلامی داریم. آنچه مقصود است دست برداشتن از این موازین و منطق استوار امامت و ولایت نیست. دیگر آن‌هم طبعاً عقاید خاص خود را دارند و در بحث‌های اعتقادی و معرفت جای مواسات علمی و گفتگوهای باز و آزاد وجود دارد و همیشه بوده و باید باشد اما آنچه از وحدت مقصود است این است که ما بر اساس منطق فکری و اخلاقی که شیعه به آن اعتقاد دارد و در عمده مذاهب اسلامی هم هست باید هویت امت اسلام را به آن ملتزم باشیم. معتقد باشیم همه ما زیر یک خیمه جمع شدیم. معتقد باشیم فراتر از آن هویت مذهبی که ما را جدا می‌کند یک هویت مشترک جامعی وجود دارد که باید به آن ملتزم باشیم. این را بدانیم که کلیت جهان اسلام و امت اسلام در معرض دسیسه‌ها و توطئه‌های مستمر در طول چند قرن بدانیم. هجومی که به فکر و اعتقادات مشترک ما انجام می‌شود. هجومی که به مسائل امت اسلام انجام می‌شود را درک کنیم و بدانیم در یک جبهه مشترک باید تمدن نوینی را برپا کنیم. این نیاز به صبوری و تحمل و بردباری دارد و نیاز به شناخت دقیق دشمن دارد. البته این وحدت و همگرایی در فقه و مبانی فقهی و کلامی و اخلاقی ما ریشه دارد. ما برادری و همبستگی اسلامی را امر سطحی رویین یا تعارفی تقیه‌ای نمی‌دانیم بلکه آن را واقعیت می‌دانیم. دست زدن به اقدامات ناصوابی که این وحدت کلی را می‌شکند ناروا می‌دانیم. این را از خود اهل‌بیت سلام‌الله علیهم اجمعین فراگرفتیم. این اعوجاجاتی که گاهی به‌عنوان ولایت و طرفداری از ولایت انجام می‌شود در مبانی دینی ما جایگاهی ندارد. هفته وحدت زمانی است که ما این حقائق را بشناسیم به همگرایی برگردیم. امروز ما به این نیاز داریم. دست‌هایی به کار گرفته شد که افراط‌گرایی مذهبی را تشدید کنند داعش را پدید آوردند گرایش‌های تند وهابیت را دامن زدند قدرت‌های کوچکی هم در منطقه پشتوانه این افراط‌گرایی دینی و تروریسم مذهبی قراردادند تاجایی که سردار بزرگی مثل حاج قاسم سلیمانی را به شهادت رساندند. این‌ها برمی‌گردد به کج‌فهمی‌های درون امت اسلام که مورداستفاده دشمن‌ها قرار گرفت.

هفته وحدت هفته‌ای است که ما در کشورمان و در جهان اسلام دست برادری به‌سوی یکدیگر دراز کنیم و هم‌گرایی و هم‌آوایی و هماهنگی برای مصالح عالیه اسلام توجه کنیم.

# نکاتی پیرامون انتخابات امریکا

نکته و موضوع دیگر که به‌اختصار باید به آن توجه کرد انتخابات آمریکاست. در انتخابات آمریکا ما پرخاشگری و تعرضات این نامزدها را به همدیگر دیدیم. هم گستاخی و بی‌ادبی که در ترامپ وجود دارد که ذات و سیاست و اخلاق و منش و ادبیات او این است تا آنجا که متحدان آمریکا را هم متنفر از او کرده و عمق تنفر در عالم اسلام هم بیش از هرزمانی الآن وجود دارد؛ و همین‌طور لحن‌های غیراخلاقی و تند دیگری که رقیبانشان دارند و تقریباً هم با تفاوت‌های اندکی این‌ها مجموعه‌ای‌اند که نشانگر ادبیات حاکمان سلطه‌طلب آمریکا هستند؛ اما نکته‌ای که باید توجه کرد این است که این رقیبان که این‌قدر به سروکله هم می‌زنند و پرخاشگری می‌کنند به آن حقیقت اصلی اشاره نمی‌کنند. باید هم به ترامپ و هم به بایدن گفت که آن مشکل اصلی که در آمریکا وجود دارد مردم آمریکا نیستند. مشکل اصلی حاکمان‌اند. مشکل اصلی گفتمان سلطه‌جو و استعمارگر و بی‌رحم و خشنی است که در طول دهه‌های ممتد از سوی رؤسای جمهور آمریکا دنبال می‌شده است. آن گفتمان سلطه‌جویی است. گفتمان بی‌اعتنایی به همه بشریت است وبرتری جویی مطلق در عالم است. این گفتمان در کلام ترامپ یک ظهور و بروز بیشتری پیدا می‌کند ولی در سخن و اعتقاد بقیه هم عین همان وجود دارد و لذا ما باید بدانیم و آن‌ها هم ای‌کاش می‌فهمیدند که مشکل آن‌ها چیز دیگری است. این حوادثی که در بحث‌های نژادی مطرح می‌شود این‌ها درون آمریکاست. مشکل اصلی این است که آمریکا بیش از یک قرن است که در جهان این روح و خوی استعمار و سلطه‌جویی و درندگی را نسبت به ملت‌های جهان نشان می‌دهد و ما هم در جهان اسلام و منطقه دیده‌ایم. نمونه‌اش اسرائیل است و اشغال‌هاست. نمونه‌اش صد جنگ و اشغالی است که آمریکایی‌ها در این یک‌صد سال به آن دست‌زده‌اند. این آن چیز پنهان در رقابت‌های آمریکاست.

 البته ما هم در جهان اسلام باید این را بفهمیم. نباید سیاستمداران ما در ایران و جهان اسلام اصلاً دل‌خوش کنند به این رقابت‌ها و مناظرات به این گروه یا آن گروه چراکه روح ناسالمی بر همه آن‌ها حاکم است و اگر تفاوتی باشد تفاوت‌های اندکی است. ما باید بر پای خود بایستیم و به خود اعتماد کنیم و ظرفیت‌های خود را بازشناسی کنیم و قدرت و اقتدار خود را افزایش دهیم و بر ملتمان تکیه کنیم که فوق همه این قدرت‌هاست و درنهایت بر خدا تکیه و اعتماد کنیم. انشاء الله.

امیدواریم که خداوند در پس این سلطه‌طلبی‌های آن‌ها روزنه‌های امیدی را باز کند گفتمان انقلاب اسلامی بتواند در دنیا اقتدار خودش را تثبیت کند. محور مقاومت به فضل خدا راه دشوار و حساس خودش را طی کند و البته ایران پایگاه این مقاومت و این نوآوری و این گفتمان سازی جدید است که اکنون در معرض هجمه‌های بسیار سنگین قرارگرفته است. مسئولان ما وظائف خطیری دارند. بیش ازآنچه امروز انجام می‌پذیرد باید به معیشت و فکر و فرهنگ جامعه توجه کرد. ملت ما باید هوشمندانه حوادث و وقایع را تحلیل کند. ما در یک برهه خاص و نکته عطف کم‌نظیر تاریخی قرار داریم که اگر از این مرحله عبور کنیم بسیاری از مشکلات را می‌شود حل کرد و پیش برد و این به بیداری ملت و هوشمندی ملت و البته یک بازسازی در نظام اداری و برنامه‌ریزی کشور نیاز دارد. از خدا برای حل مشکلات مردم استمداد می‌جوییم و امیدواریم با عنایات الهی بلاها و خطرها دفع شود و ملت ما از همه مشکلات عبور کند انشاء الله؛ و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.